



چگونه می‌توانیم مستجاب‌الدعوه شویم

آیت‌الله جوادی آملی، استاد برجسته اخلاق حوزه گفت: اگر دست و گوش و چشمی که سرباز خداست طبق خطبه ۱۹۹ به جا و درست و در راه علم و مشاهده آیات الهی و عبادت استفاده شود...

آیت‌الله جوادی آملی، استاد برجسته اخلاق حوزه گفت: اگر دست و گوش و چشمی که سرباز خداست طبق خطبه ۱۹۹ به جا و درست و در راه علم و مشاهده آیات الهی و عبادت استفاده شود در این صورت حبیب‌الله خواهد شد و گرنه بهشت که پاداش متوسط برای چنین فردی است. چنین نعمتی تجلیات و افاضات حق در مقام فعل خداوند است زیرا احدی به مقام ذات راه ندارد.

آیت‌الله جوادی آملیه گزارش یکنا، آیت‌الله جوادی آملی دوم شهریور ماه در ادامه دروس اخلاق خود به شرح خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه و حکمت ۱۳ اشاره کرد که متن سخنان وی به شرح زیر است:

در حکمت ۱۱۳ حضرت به فضایل اخلاقی پرداخته است و اینکه انسان در کجا باید حسن ظن داشته باشد و اینکه اگر در جایی فساد وجود داشت حسن ظن داشتن به آن روا نیست. این مطالب وصیت آن حضرت به فرزندان ایشان است و بخشی از آن هم در اصول چهارصدگانه ای است که در کتاب شریف تمام نهج البلاغه آمده است.

دستورات دینی مخصوصاً در بیانات نورانی امیرالمؤمنین (ع) متنوع و شرح قرآن کریم است. برخی مربوط به حالات شخصی انسان است مانند اینکه همیشه وضو داشته باشد و لباس پاکیزه بر تن کند. سلسله دستورات هم مربوط به خانواده و برخی هم مرتبط با مسائل اجتماعی و تمدنی است. سلسله دستوراتی هم مرتبط با کشاورزی و معادن و ... است و اینکه کجا از معدن و زرع و کشت استفاده شود یعنی مربوط به امور ظاهری است. برخی هم به روابط بین الملل مرتبط است.

دستوراتی را هم آن حضرت از پیامبر (ص) نقل می‌کند که در حکم قانون اساسی است از جمله این تعبیر که هیچ کسی حق ندارد حکم خدا را کنار بگذارد به این دلیل که من معذور هستم. این قانون اساسی جهانی است و ربطی به منطقه و شهر و ... ندارد بنابراین قابل کنار گذاشتن نیست. لا طاعة لمخلوق فی معصیت الخالق.

گاهی به تربیت انسان و نحوه رشد اخلاقی و معنوی و گاهی هم به رفاه جامعه و معاد و برزخ و بهشت و سؤالات قبر و ... اشاره دارد. بخش اساسی فرمایشات ایشان هم مباحث عرفانی است یعنی ابتدا انسان را معرفی می‌کند که او چیست و چگونه خلق شده است و چه باید بکند تا خلیفه‌الله و یدالله و اذن‌الله و ... شود. سلسله دستوراتی دارند که کاری بکنید که بشوید یدالله.

وقتی یدالله شدید هر کاری انسان بکند کار الهی است و این مباحث در مقام فعل خداست نه ذات، زیرا احدی به ذات خدا دسترسی ندارد بنابراین علی (ع) وقتی در قلعه خیبر را کند فرمود من با قدرت بدنی خود نکنم بلکه با قدرت ملکوتی کنم؛ این راه مخصوص انبیاء و ائمه (ع) هم نیست بلکه شاگردانی که در ردیف و درجه آنان هم باشند وجود دارد؛ سلمان و ابوذر و عمار هم می‌توانند عین‌الله و یدالله شوند.

حضرت در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه فرموده است که اعضا و جوارح شما برای شما نیست و هیچ کسی حق ندارد آن را از خودش تصور کند. خلوت شما جلوت الهی است و هر کاری کردید قبل از آن که انجام دهید خدا می‌داند و در روز قیامت هر کاری اعضای شما بکنند قبل از آن که زبان شما باز شود دست و پا و سایر اعضا شهادت خواهند داد.

در خطبه ۱۹۹ در بخش پایانی فرموده است: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرِفُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ، لَطْفًا بِهِ خَيْرًا وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمًا؛ أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودُهُ وَ جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ وَ صَمَائِرُكُمْ عَيْوُثُهُ وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَاثُهُ. دستی که دارید درست است دست شماست ولی سرباز خداست و اگر با آن رومیزی و زیرمیزی و رشوه گرفتید و دادید می‌بیند و قبل از آن که کتمان کنید شهادت می‌دهد. این کاری به تمدن و اجتماع ندارد و این سخنان مربوط به عرفانیات است و کسی که بخواهد انسان و عارف شود باید اینها را رعایت کند. انسان کامل کسی است که نه بیراهه برود و نه راه کسی را ببندد و بگوید من مخلوق او هستم و باید صفات او را داشته باشم.

اینکه فرمود اعضا و جوارح شهادت می‌دهند برای ترساندن از جهنم نیست زیرا سخن از بهشت و جهنم، حرف‌های متوسط دین است. کاری بکن که ید بشود یدالله و عین بشود عین‌الله در این صورت انسان جز معارف دینی و حقایق چیزی را مطالعه نمی‌کند.

کند و نمی بیند؛ اگر گوش انسان مظهر هو السميع و چشم او مظهر هو البصير شد در این صورت از چشم و گوش او جز نورانیت دیده نمی شود و وقتی مطالب علمی را خواند، علامه می شود. محبوب خدانشدن از بهشت رفتن بالاتر است

در کتاب تمام نهج البلاغه آمده است که پیامبر(ص) فرمودند: شخص کاری که انجام می دهد باید قربه الی الله باشد و برای تقرب به خدا بهترین کار انجام واجبات و ترک محرمات الهی است؛ از هر راهی بخواهد به خدا نزدیک شود همین است. اگر کسی اعمال و وظایفش را تقریباً الی الله انجام داد و مقرب شد؛ و انه يتقرب الی بالنافله. یعنی وقتی واجبات را انجام داد برای تکمیل آن مستحبات را هم انجام دهد تا تقریبش بیشتر شود و وقتی به وسیله نوافل به خدا نزدیک شد، محبوب خدا خواهد شد؛ در اینجا سخن از بهشت و جهنم نیست؛ خیلی ها بهشت می روند ولی اینکه کسی محبوب خدا شد هنر است و این افراد کم هستند.

اگر دست و گوش و چشمی که سرباز خداست طبق خطبه ۱۹۹ به جا و درست و در راه علم و مشاهده آیات الهی و عبادت استفاده شود در این صورت حبیب الله خواهد شد وگرنه بهشت که پاداش متوسط برای چنین فردی است. چنین نعمتی تجلیات و افاضات حق در مقام فعل خداوند است زیرا احدی به مقام ذات راه ندارد. چه کنیم مستجاب الدعوه شویم

انسان اینچنینی را هر چه خدا شنید به اذن او خواهد شنید و هر چه خدا دید خواهد دید و مستجاب الدعوه می شود. خیلی ها شب و روز دعا می کنند ولی ممکن است به مقصد نرسند ولی یدالله و مستجاب الدعوه شدن مرتبه ای است که هدف خلقت هم رسیدن به آن است.

بنابراین نهج البلاغه و قرآن فقط برای فرستادن انسان به بهشت نیامده است بلکه هدف مراتبی بالاتر است. فقهای بزرگوار ما سالیان متمادی مجتهدانه فروع را از قواعد فقهی گرفته اند ولی برای عرفان و عرفا هم یکسری قواعد وجود دارد تا انسان بداند باید چه کند تا به عرفان برسد. فقه انسان بهشتی تربیت می کند نه عارف

فقه و فروع آن نهایتاً انسان را به بهشت می برد ولی اینکه انسان یدالله و عین الله و بصرالله شود جزء قواعد فقهی و اخلاقی نیست بلکه قواعد عرفانی است یعنی انسان کاری بکند که مظهر تجلیات خداوند شود. سلمان و ابوذر و مقداد و مستجاب الدعوه شدن کار آسانی نیست و اینها صرفاً با فقه به دست نمی آید، همه می دانیم که تربیت حضرت سیدالشهداء و سوره حمد عامل شفای بیمار است و عارف باید حمد بخواند تا شفا دهد و مستجاب الدعوه شود البته وقتی شخص چند آیه قرآن را ببرد ثواب می برد ولی بین این دو فاصله است.

بشر می تواند به پیشرفت و تمدن برسد ولی اینکه انسان محبوب خدا و عین الله و یدالله شود کار عقل و بشر نیست و باید به نهج البلاغه رجوع کند؛ اینکه حضرت امیر فرمود عقل و پرهیز از گناه خوب است همه برای این است که انسان محبوب الله و مستجاب الدعوه شود.

اگر کسی دور کعبه طواف کرد حاجی خواهد شد و اگر کسی دور حبیب الله گشت حبیب و محبوب خدا خواهد شد و پیامبر(ص) حبیب و محبوب خداوند است. خدا فرمود شما اگر دوستدار خدا هستید در مدار و مطاف اهل بیت(ع) و پیامبر(ص) بگردید و بچرخید تا محبوب خدا شوید و اگر محبوب خدا شدید مستجاب الدعوه خواهید شد. اگر گفتند حمد و قرائت قرآن و تربیت سیدالشهداء(س) شفاست درست است ولی باید دید از لسان و زبان چه کسی قرائت می شود.

بنابراین اعضاء و جوارح جنود الهی هستند و اگر از آن درست استفاده شود محبوب او خواهیم شد و در این صورت به عرفانیات دست خواهیم یافت.